

جلسه ۱۴۰۱/۱۱/۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾<sup>۱</sup>

سنت کفایت از گرفتاری بر اساس تقوی

بحث تفسیر به سنت‌های الهی در قرآن کریم رسید. سنی از کتاب شریف قرآن مجید صحبت شد. آخرین سنتی که صحبت کردیم سنت توکل، کفایت بر اساس توکل. آنچه امروز از این سنن به عرضتان برسد سنت کفایت از گرفتاری‌های مختلف بر اساس تقواست.

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾<sup>۲</sup>

معنای آیه مشخص است.

تقوا چیست؟ اهمیت و آثار تقوا

تقوا هم معنایش معلوم است؛ آن حالت خویشتن داری از نادرستی‌ها، و وادار کننده بر نیکی؛ این تقوا هست. آن صفتی که در انسان پیدا می‌شود به نام تقوا، حقیقتی است که همه متوجه هستند؛ معنای روشنی است. بخواهیم به صورت خاصی عرض کرده باشیم، مناسب است که گفته بشود همین جمله‌ای که عرض شد، حالت خویشتن داری از نادرستی و وادار کننده به درستی. این حالت تقواست. و این تقوی در مکتب وحی، محور همه خوبی‌ها هست؛ و مورد تأکید، فوق آنچه ما تصور کنیم. و تقوی هم دارای درجاتی است. حد اقل آن این است که همت داشته باشد انسان بر انجام واجب و ترک حرام. آن وقت درجات بالاتر این است که به آن جا برسد که در حدیث است حق تقوا بیان شده است. این صفات معنوی این‌ها دارای درجات مختلفی است؛ شدت و ضعف دارد، دارای تشکیک هست؛ هم رذایل اخلاقی شدت و ضعف دارد، و هم فضائل اخلاقی شدت و ضعف دارد.

مثلا در احادیث هم این مسئله آمده است در ارتباط با حیا، حق حیا چیست، حق تقوا چیست، معنایش این می‌شود که یعنی درجات دارد، شدت و ضعف دارد. مثلا در حدیث دارد که «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ» خدا رحمت کند انسانی را که «اسْتَحْيَا مِنْ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ» حیا کند حق حیا را. آن وقت فرمودند حق حیا چیست. «فَحَفِظَ الرَّأْسَ وَ مَا حَوَى وَ الْبَطْنَ وَ مَا وَعَى وَ ذَكَرَ الْمَوْتَ وَ الْبَلَى وَ عَلِمَ أَنَّ الْجَنَّةَ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَ النَّارَ

۱ - سوره اسراء، آیه ۹.

۲ - سوره طلاق، آیات ۲ و ۳.

### مُخْفَوَةٌ بِالشَّهَوَاتِ<sup>۱</sup>.

حق حیا این است که انسان سر و آنچه در سر است، از آلودگی حفظ کند. زبانش را، چشمش را از آلودگی حفظ کند. گوشش را از آلودگی حفظ کند. و شکمش را از آلودگی حفظ کند. و خدا را یاد کند. که عامل رسیدن به این حیا، این یاد خداست. و بداند و توجه داشته باشد که به بهشت رفتن، با ناراحتی هایی و با سختی هایی همراه هست. و اما دوزخی شدن، با هوا و هوس ها همراه است. این جا حق حیا بیان شده است؛ با اشاره رد شدم.

در ارتباط با تقوا هم همین طور است. حق تقوا در حدیث هست که حق تقوا این است که خداوند متعال «يُطَاعُ فَلَا يُعْصَىٰ وَ يُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَىٰ وَ يُشْكَّرُ فَلَا يُكْفَرُ»<sup>۲</sup> این حق تقواست. در ارتباط با خدا، انسان چنین باشد که خدا اطاعت شود در زندگی بی معصیت. به آن جا برسد که هیچ گناهی در کار نباشد. «يُطَاعُ فَلَا يُعْصَىٰ». و هم چنین خدا شکر بشود، هرگز کفران نشود. گله از خدا نباشد. و خداوند یاد شود به گونه ای که هرگز غفلت از خدا نباشد. حدیث در ذیل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ»<sup>۳</sup> آمده است.

در هر حال تقوا دارای درجاتی است. آن وقت اگر کسی متقی شد، اهل تقوا شد، این جا هست که یکی از سنت های الهی این است «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» خداوند متعال در گرفتاری های مختلف، ابتلائات مختلفی که برای او پیش می آید که دنیا دارای حوادث و ابتلائات است؛ برای آن خروج قرار می دهد؛ وسیله نجات قرار می دهد؛ راه خروج از گرفتاری برای او قرار می دهد. این نیز یک سنت از سنت های الهی است.

در این زمینه مقداری از مباحث باید ان شاء الله مطرح بشود؛ که در هفته های آینده بحث خواهد شد. یکی دو تا حدیث به عرضتان برسد؛ در این مورد بسیار تذکرات فوق العاده ای در این احادیث بیان شده است. از جمله این حدیث است که در تفسیر اهل البیت (علیهم السلام) در ذیل آیه شریفه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» آن جا آمده است که حضرت مجتبی (علیه السلام) فرمودند «التَّقْوَىٰ بَابُ كُلِّ تَوْبَةٍ وَ رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ» انسان بخواهد به حرف های محکم برسد، به مطالب استوار موفق بشود که مایه سعادت او هست، رأس کار این است که با تقوی باشد. «وَشَرَفُ كُلِّ عَمَلٍ بِالتَّقْوَىٰ» و شرف کل عمل و شرف هر عملی به تقواست. «فَارَ»

<sup>۱</sup> - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۱/۱۴۲ باب ۴ علامات العقل و جنوده .....

<sup>۲</sup> - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۶۷/۲۹۲ باب ۵۶ الطاعة و التقوی و الورع و مدح المتقین و صفاتهم و علاماتهم و أن الكرم به و قبول العمل مشروط به .....

<sup>۳</sup> - سوره آل عمران، آیه ۱۰۲.

مَنْ فَازَ مِنَ الْمُتَّقِينَ» رستگاری در ارتباط با تقواست. «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا» متقین هستند که به فوز کامل می‌رسند، و به رستگاری کامل نائل می‌شوند.

خداوند فرموده است «وَقَالَ وَيَنْجِي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». باز این اثر تقواست؛ بر اساس تقوا خدا نجات می‌دهد اهل تقوا را و به رستگاری می‌رساند، و گرفتاری‌ها را رفع می‌کند برای ایشان. «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ» خرجی از فتنه‌هایی که رخ می‌دهد در زندگی انسان، چه زندگی شخصی او چه زندگی اجتماعی او، اگر تقوا را به حقیقت رعایت کند، در آن فتنه‌ها مسیر درست را حرکت می‌کند؛ راه درست را می‌رود و از فتنه‌ها نجات پیدا می‌کند. «وَيُسَدِّدُهُ فِي أَمْرِهِ» در کارها استوار قرار می‌دهد او را. در کارها آن چنان که شایسته است، انسان کار را انجام می‌دهد. «وَيَهَيِّئُ لَهُ رُشْدَهُ» رشدش را خدا برای او تهیه می‌کند آماده می‌کند در جهت رشد خودش حرکت کند. «وَيُقَلِّبُهُ بِحُجَّتِهِ» خداوند متعال به وسیله تقوا حجت انسان را حجت غالب قرار می‌دهد؛ و موفق می‌شود که در حجتش به فلاح و رستگاری غلبه برسد. «وَيَبَيِّنُ وَجْهَهُ وَ يُعْطِيهِ رَغْبَتَهُ»<sup>۱</sup>. و به او لطف می‌کند خداوند متعال.

بنابر این بسیار بسیار فوق العاده است و مهم.

یک حدیث دیگر هم عرض کنم بسیار عجیب است و نکته لطیفی است. چیزی وسیله این کمالات است، وسیله این همه خیرات که در اختیار عموم است، یعنی اگر گفته می‌شد که وسیله همه این کمالات پولداری است، همه نمی‌توانند پولدار بشوند؛ در این وضع زندگی معمولی که هست، به طور کلی این است این چنین نیست که هر کس هر چه بخواهد پولدار بشود، بشود پولدار بشود. اگر گفته می‌شد که کمالات در مشهور شدن است؛ تمام این کمالات بر اساس مشهور شدن است؛ باز همه وسیله این که شهرتی برای خودشان تهیه کنند، ندارند. و هكذا به قدرت رسیدن. و هكذا.

ولی همه این خیرات که صحبت شد و هست، منشأ اساسی آن تقواست؛ همه می‌توانند با تقوا بشوند. غنی می‌تواند با تقوا باشد؛ فقیر می‌تواند با تقوا باشد؛ عامی می‌تواند با تقوا باشد؛ عالم می‌تواند با تقوا باشد؛ برای همه قشرها این وسیله هست. این نکته‌ای هست که این میزانی که در دین ما هست برای ارزش و ارزش‌های بسیار، و وسیله خیرات فراوان، مسئله‌ای هست که در اختیار عموم قرار دارد. و بالنتیجه جا دارد که انسان غفلت نکند.

حالا یک حدیث دیگر که عرض کنم از وجود مقدس حضرت محمد مصطفی ﷺ که در همین تفسیر

<sup>۱</sup> - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۱۱۰/۷۵ باب ۱۹ مواعظ الحسن بن علی ع ....

شریف که عرض کردم نقل کردند. «قَضَى اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ أَنَّهُ مَنْ آمَنَ بِهِ هَدَاهُ» خدا بر خود این چنین قرار داده، یعنی از سنن الهی است که «مَنْ آمَنَ بِهِ هَدَاهُ». بسیار حدیث لطیفی است. همه احادیث لطیف، گاهی الطف؛ همه نور، گاهی انور.

«وَمَنْ اتَّقَاهُ وَقَاهُ» همین که مورد صحبتان است. حفظ می‌کند او را نگه می‌دارد؛ انسانی که دقیق است که فرمان خدا را رعایت کند، خدا به چنین بنده‌ای کمال لطف را دارد که این مواظب است که چشمش در اختیار من، گوشش در اختیار من، روانش در اختیار من، همه برنامه‌ها بر اساس رضایت من، همه کارهایش میزان و محور خدا قرار می‌گیرد. وقتی ببیند که بنده‌ای میزان و محور کارش را او قرار داده، آن وقت آن علم بی‌جهل و قدرت بی‌عجز به او نمی‌رسد و به او توجه نمی‌کند؟! مشخص است که بهترین توجه و عنایت خواهد شد.

تا این جا شاهد مطلب بود. بقیه حدیث را هم بخوانم که فوق العادگی دارد. «وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ» که بحث قبلی بود. «وَمَنْ أَفْرَضَهُ أَتَاهُ» کسی که قرض به خدا بدهد، قرض این جا که گفته می‌شود و نوعا در آیات هست، منظور قرض اصطلاحی نیست؛ آن هم جای خودش محفوظ است. به کمک روایات در مواردی یعنی قطعه‌ای از اموال خودش را انفاق می‌کند در راه خدا. قرض اصطلاحی هم همین است که قطعه از اموالش را در مسیر خدا می‌دهد که باز می‌گیرد؛ ولی خیر، نگرفتنش هم قرض گفته می‌شود. یعنی مقداری از اموالش را در راه خدا بدهد؛ وقتی این کار را می‌کند، چه می‌شود؟ نمو می‌دهد خدا اموال او را. «وَمَنْ وَثِقَ بِهِ أَنْجَاهُ» کسی که به او تکیه کند، خدا نجاتش می‌دهد. «وَمَنْ التَّجَأَ إِلَيْهِ آوَاهُ» به او پناه برد، پناهش می‌دهد. «وَمَنْ دَعَاهُ أَجَابَهُ» کسی که دعا کند به حقیقت، دیگر این‌ها یک استثنااتی دارد؛ یک شرائطی دارد؛ یک موانعی دارد؛ که آن‌ها بحث‌های مفصل خودش را دارد. ولی کلی مطلب این است؛ اقتضاء مطلب این است. «وَمَنْ دَعَاهُ أَجَابَهُ وَ لَبَّاهُ» قبولش می‌کند.

آن وقت پیامبر اکرم ﷺ «وَتَصَدِّقُهَا» آن وقت پیامبر اکرم ﷺ فرمودند همه حرف‌هایی که من گفتم در قرآن هست. «وَتَصَدِّقُهَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ». جمله اول این بود که «مَنْ آمَنَ بِهِ هَدَاهُ» آیه اول هم همین است. همین طور به ترتیب مطالب که گفته شده است. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» که من اتق الله وقاه «وَمَنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» در توکل بود. «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» قرض الحسنه که گفتیم قطعه‌ای از اموالش را بدهد؛ «فِيضَاعْفَهُ». در روایت گفتند «أَتَاهُ» نمو می‌دهد. «وَمَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ» کسی که تکیه کند به خداوند متعال، «فَقَدْ هُدِيَ وَ أُنْبِئُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَ إِذَا سَأَلْتَ عِبَادِي الْأَيَّةَ»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱/۲۱۸ باب ۱۱ وجوب التوکل علی الله و التفویض إلیه .....

وقتی هم که از خداوند متعال کسی چیزی بخواهد، باز اجابتش می‌کند لطف به او می‌کند. بنابر این پس بسیار بسیار به جاست که انسان سعی کند که از تقوا غفلت نکند.

این دو جمله کوتاه را هم دقت بفرمایید راجع به خصوص تقوا بیشتر گفته شده باشد. از آقا حضرت امیر علیه السلام نقل شده باز در همین جا «وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَ نُورًا مِنَ الظُّلْمِ وَيُجَلِّدْهُ فِيمَا اشْتَهَتْ نَفْسُهُ وَيُنْزِلْهُ مَنَزِلَ الْكَرَامَةِ عِنْدَهُ فِي دَارٍ اصْطَنَعَهَا لِنَفْسِهِ»<sup>۱</sup>. این لطف‌ها به او می‌شود کسی که تقوا را پیشه خود بگیرد، و در این جهت هر چه جدی‌تر باشد.

و باز روایاتی دیگر که هست که ان شاء الله بعد خوانده می‌شود. فقط این کلمه را اشاره می‌کنم و آن این که همه این‌ها معنایش این نیست که یعنی به کار مناسب در جهت رفع مشکلات نپردازد، و فعلاً بگوید تقوا را پیشه می‌کنم همه کار خودش درست می‌شود؛ خیر؛ به اندازه تکالیفی که وظیفه دارد، در جریان های مختلف کوشا باشد. که در احادیثی به این جهت تصریح شده است؛ ان شاء الله جلسات بعد احادیث مربوطه به عرضتان می‌رسد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

<sup>۱</sup> - نهج البلاغه (المصباحی صالح)، ص ۲۶۶ الوصیة بالتقوی ....